

بررسی مبانی اخلاق پزشکی در اندیشه شیعی با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث نهج البلاغه

دکتر غلامرضا معارفی

استادیار - گروه اخلاق پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد

Email: dr_maarefi@yahoo.com

*نویسنده مسئول:

چکیده

مقدمه و هدف: گرایش به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی از امور فطری بشری است. از اینرو، تعالیم انبیاء و رسولان عرف پزشکی و مجامع مربوطه الهی همواره بر محور مسائل اخلاقی بوده است. دانش اخلاق (Ethics) که مسئولیت طبابت نفوس و عقول را بر عهده دارد، در این راستا شکل گرفته است. این علم در یک تقسیم‌بندی به اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری و اخلاق تحلیلی تقسیم می‌شود. اخلاق هنجاری زیرمجموعه‌هایی دارد که یکی از آن‌ها اخلاق کاربردی است و شامل اخلاق حرفه‌ای نیز می‌شود. اخلاق پزشکی از انواع اخلاق حرفه‌ای است. از مهم‌ترین مباحث حوزه اخلاق پزشکی، بررسی مبانی این دانش است، پژوهش حاضر به بررسی این مبانی در اندیشه دینی و شیعی با محوریت قرآن کریم و نهج البلاغه می‌پردازد. مواد و روش‌ها: با توجه به هدف تحقیق و ماهیت آن، مواد پژوهش شامل، بررسی مهم‌ترین منابع اسلامی و شیعی، یعنی قرآن کریم و نهج البلاغه است و روش آن روش تحلیل محتوایی (content analysis) بصورت تحلیل کیفی داده‌ها است. نتایج: از مراجعه، شناسایی و بررسی آموزه‌های منابع دینی (قرآن کریم و نهج البلاغه) مرتبط با مبانی اخلاق پزشکی، مبانی زیر به دست آمد.

- ۱- توحید و حاکمیت مطلق خداوند
 - ۲- هدفمندی جهان آفرینش
 - ۳- هدفمندی انسان در بعد اندیشه و عمل
 - ۴- انسان موجودی طبیعی و فراطبیعی
 - ۵- برخورداری انسان از اراده و اختیار
 - ۶- ارتباط زندگی دنیوی با زندگی اخروی
- نتیجه‌گیری: بررسی مبانی اسلامی و شیعی در حوزه اخلاق و اخلاق پزشکی حاکی از توجه جدی دین اسلام و آیین شیعه به اخلاق و اخلاق پزشکی است. بررسی‌ها نشان داد، تفاوت جوهری مبانی اخلاق پزشکی در اندیشه اسلامی و شیعی با سایر دیدگاه‌ها در نوع نگرش و جهان‌بینی است. اخلاق پزشکی در اندیشه اسلامی و شیعی بر پایه اصل توحید، مسئولیت و اختیار انسان و تأثیر افکار و رفتار اخلاقی انسان در نحوه زندگی اخروی او (تجسم عمل) پی‌ریزی شده است. تبیین این مبانی، نقش بسیار مهمی در تحلیل چرایی آموزه‌های اخلاق اسلامی شیعی در حوزه پزشکی دارد و می‌تواند در نهادینه کردن آن در مجامع پزشکی کشورمان و ارائه الگوی جهانی مؤثر باشد.
- واژگان کلیدی: اخلاق، اخلاق پزشکی، مبانی، اندیشه شیعی، قرآن کریم، نهج البلاغه، انسان، اختیار

دوماهنامه علمی-پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال شانزدهم - شماره ۸۳
آبان ۱۳۸۸

وصول: ۸۸/۲/۷

آخرین اصلاحات: ۸۸/۷/۴

پذیرش: ۸۸/۲/۵

مقدمه

بی تردید گرایش به ارزش های اخلاقی به طور فطری در نهاد آدمی وجود دارد. از این رو، پیام آوران الهی همواره با تکیه بر ارزش های اخلاقی مردم را به رشد و رویش در ابعاد گوناگون زندگی دعوت می کردند [۱] دانش اخلاق [Ethics] که عهده دار بیان و تأمین سلامت روح و بیماری ها و راه های درمان آن است، در همین راستا شکل گرفته است. [۲]

این علم که به دنبال آموزش شیوه درست رفتار انسانی است، هم بعد شناختی و معرفتی [cognitive] و هم بعد عملی و رفتاری [behavioral] دارد در یک تقسیم بندی دانش اخلاق به سه نوع تقسیم می شود [۳] «اخلاق توصیفی» [Descriptive ethics] و «اخلاق تحلیلی» [Analytic ethics] یا «فرااخلاق» [meta ethics] «اخلاق هنجاری» [Normative ethics].

اخلاق توصیفی با متد تاریخی و نقلی صرفاً به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد، گروه ها و جوامع مختلف بدون تحلیل عقلی و فلسفی آن ها می پردازد. توصیف رفتارهای اخلاقی فرد یا جامعه خاص و توصیه و ترغیب افراد به عمل بر طبق آنها یا اجتناب از آنها محور اصلی مباحث اخلاق توصیفی است.

فرااخلاق به بررسی تحلیلی و فلسفی مفاهیم و احکام اخلاقی می پردازد.

اخلاق هنجاری یا اخلاق دستوری به بررسی افعال اختیاری انسان از جهت خوبی یا بدی، بایستگی یا نبایستگی و تحلیل آنها می پردازد.

اخلاق هنجاری زیرمجموعه هایی دارد که یکی از آنها اخلاق کاربردی «applied ethics» است. «اخلاق کاربردی یا کاربرستی» عبارت است از کاربرد و تطبیق استدلال ها، اصول، ارزش ها و ایده آل های اخلاقی در مورد رفتارهای اخلاقی، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی.

اخلاق کاربردی شامل اخلاق حرفه ای [Professional ethics] نیز می شود. مقصود از اخلاق حرفه ای، تامل درباره ابعاد اخلاقی مسائل و موضوعاتی است که

به مشاغل خاص مربوط می شود، مانند اخلاق پزشکی «Medical ethics» اخلاق تجارت «Business ethics» و... [۴] دانش اخلاق پزشکی که امروزه به عنوان یکی از علوم پایه پزشکی در بیشتر دانشگاه های جهان تدریس و مورد توجه اساتید و دانش آموختگان رشته های پزشکی است، سابقه دیرینه ای دارد، یعنی از روزگاران گذشته توجه فیلسوفان، دانشمندان و برخی از پزشکان به ابعاد اخلاقی معطوف بوده که نمونه هایی از آن را می توان در

سوگندنامه بقراط ملاحظه کرد [۴۵۰-۳۸۰ ق.م] [۵] درباره اخلاق پزشکی، تعاریف متعدد و متنوعی تاکنون از سوی صاحب نظران ارائه شده است [۶] که نقد و بررسی آن ها مجال دیگری می طلبد. از نظر نگارنده، دانش اخلاق پزشکی، دانشی است که به ارائه معیارها و ملاک های مشخص برای رفتارهای اخلاقی و تصمیم گیری های گوناگون در حوزه پزشکی پرداخته و به کاربردی کردن توصیه ها و ارزش های اخلاقی در مورد پزشک و بیمار کمک می کند.

دانش اخلاق پزشکی امروزه در دنیا به عنوان یک علم نوین مورد توجه جوامع علمی و مجامع پزشکی است. در فضای کشور عزیز و اسلامی ایران نیز خوشبختانه توجه خاصی به این دانش وزین و موضوعات و مسائل آن شده و می شود. تشکیل مراکز تحقیقاتی اخلاق پزشکی، شکل گیری گروه های آموزشی و پژوهشی اخلاق پزشکی در دانشگاه ها و دانشکده های پزشکی، تألیف مقالات و انتشار کتاب های ارزشمند در این زمینه، برگزاری همایش ها و کارگاه های گوناگون نشانه توجه جدی به این دانش و عزم راسخ بر نهادینه کردن آن است.

یکی از مباحث جدیدی که به منزله یک مساله نو در حوزه اخلاق پزشکی قابل طرح است، بررسی مبانی [Foundataiens] اخلاق پزشکی است، زیرا طرح این مبانی و تحلیل آن ها پاسخی برای چرایی آموزه های دانش اخلاق پزشکی و بستر مناسبی برای نهادینه کردن این دانش ارزشمند در مجامع پزشکی است. از این رو،

بررسی مبانی دانش اخلاق پزشکی ضروری به نظر می‌رسد.

در اندیشه شیعی [shia thouth] دانش اخلاق و اخلاق پزشکی نیز مبتنی بر مبانی خاصی است که از جهان‌بینی دینی و اسلامی و مکتب شیعه سرچشمه می‌گیرد. طرح و بررسی این مبانی که از وضعیت انسان و رابطه او با عالم هستی مطلق گزارش می‌دهند، از منظر شیعی می‌تواند ضمن ارائه پاسخ به چرایی آموزه‌های شیعی درباره اخلاق پزشکی در جهت نهادینه کردن آن در فضای کشور اسلامی ایران و ارائه الگوی جهانی در حوزه اخلاق پزشکی نقش موثری را ایفا کند از این‌رو این تحقیق به دنبال شناسایی و استخراج و تحلیل این مبانی، از مهم‌ترین منابع شیعی است، تا از این رهگذر نقاط اشتراک و افتراق اخلاق پزشکی در دیدگاه اسلامی و شیعی با سایر دیدگاه‌ها مشخص و ارزشمندی آموزه‌های دینی در حوزه اخلاق به ویژه اخلاق پزشکی معلوم شود.

مواد و روش‌ها

با توجه به هدف تحقیق و ماهیت آن، مواد و جامعه آماری پژوهش شامل مهم‌ترین آموزه‌های منابع اسلامی و شیعی [قرآن کریم، نهج‌البلاغه] و برخی از منابع مرتبط است. همچنین روش تحقیق، روش تحلیل محتوایی [content analysis] بوده که براساس آن آموزه‌های اسلامی و شیعی در قالب آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام به صورت تحلیل کیفی داده‌ها انجام شده است.

نتایج

بررسی و تحلیل محتوایی مبانی اسلامی و شیعی مرتبط با اخلاق پزشکی نشان داد:

- ۱- اخلاق به طور عام و اخلاق پزشکی به‌طور خاص در دین اسلام و مکتب شیعه مورد توجه جدی است.
- ۲- گرچه اخلاق پزشکی از دیدگاه اسلامی نقاط مشترکی با سایر دیدگاه‌ها در این زمینه دارد، اما تفاوت ماهوی و جوهری اخلاق پزشکی در اندیشه شیعی با

سایر دیدگاه‌ها در جهان‌بینی و نوع نگرش و تلقی آن‌ها از انسان، هستی و خداوند است.

۳- تبیین مبانی اخلاق پزشکی شیعی نقش اساسی در تفسیر گزاره‌های اخلاق پزشکی و معنادار کردن آن‌ها دارد.

۴- با توجه به مبانی ارزشمند اخلاق پزشکی در اندیشه شیعی می‌توان یک اخلاق پزشکی پیشرفته و عمیق را برای جامعه دینی و جهانی ارائه داد.

در جهان‌بینی اسلامی و شیعی ابتدا وجود یک مبدأ متعالی، یگانه و نامحدود که احاطه بر تمامی هستی دارد، اثبات می‌شود، احاطه او لازمه‌اش حضور، شهود و همراهی او با تمامی پدیده‌ها است و حضور او یعنی آگاهی و نظارت او بر تمامی پدیده‌ها، نتیجه این آگاهی و نظارت حکمت، تقدیر و اندازه‌گیری او برای تمامی پدیده‌ها است. بنابراین تمامی پدیده‌های جهان خلقت از جمله انسان، هدفمند هستند. هدفمندی انسان در دو بُعد نظر و عمل قابل بررسی است. در بُعد اندیشه و نظر، هدف از خلقت انسان آن است که با نگاه الهی به جهان بنگرد و دریابد که خداوند دارای علم مطلق و قدرت مطلق است و خود فقر مطلق و عین نیازمندی است و در بُعد عمل هدف از خلقت او عبودیت و بندگی حق است تا از این طریق به مقام و شئون رب یعنی مقام خلیفه‌اللهی باریابد.

در این دیدگاه انسان موجودی است دو بُعدی، طبیعی و فراطبیعی این دو بُعد با هم تعامل و روابطی دارند، یعنی نفس در بدن و بدن در نفس تأثیر می‌گذارند. این رابطه از نوع رابطه اصل با فرع است، یعنی نفس و روح انسانی اصالت دارد و بُعد طبیعی یعنی بدن فرع است و به همین دلیل فناپذیر است.

برخورداری از ویژگی اختیار و آزادی برابر قوانین و سنت‌های الهی از دیگر آموزه‌های شیعی است که به موجب آن انسان تحول‌پذیر بوده و می‌تواند با انجام اعمال اختیاری اخلاقی به رشد و سعادت ابدی دست یابد. جاودانگی انسان و عدم انحصار تأثیر رفتار او به زندگی دنیوی و گسترش آن به محدوده آخرت و تأثیر

مستقیم چگونه زیستن او در دنیا، در چگونه زیستن او در آخرت، از دیگر مبانی اخلاق پزشکی در دیدگاه شیعی می‌باشد. در هر صورت ماهیت [از اویی] و بسوی [اویی] انسان، مبنای اصلی جهت‌گیری‌های او را در ابعاد گوناگون زندگی از جمله در حوزه اخلاق پزشکی مشخص می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تبیین مبانی هر علمی در دستیابی به اهداف آن علم نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. مبانی در لغت به معنای عمارت‌ها، بناها، بنیان‌ها و اساس است [۷] و در اصطلاح به آن دسته از اصول، پایه‌ها و اجزایی گفته می‌شود که ساختمان هر علم بر آن بنا و استوار شده یا از آن پدید می‌آید. مبانی، اساس هر علم را تشکیل می‌دهد [۸] بنابراین، می‌توان گفت مبانی در اصطلاح آن دسته از علوم است که در شکل‌گیری علم جدید نقش اساسی و حیاتی ایفا می‌کند، به نحوی که، بدون وجود هر یک از آن علوم [پیشین] آن علم شکل نمی‌گیرد. البته روشن است که مبانی هر علمی برگرفته از آن علم نیست، بلکه در جای دیگری خارج از آن علم ریشه دارد [۹]. مبانی اخلاق پزشکی در «اندیشه شیعی» را می‌توان با توجه به اهمیت و میزان تأثیرگذاری آن در فهم درست آموزه‌های مرتبط با اخلاق پزشکی از منظر اسلامی و شیعی به شرح ذیل مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

۱- توحید و حاکمیت مطلق خداوند

اعتقاد به یک مبدأ متعالی و پرستش او از مظاهر کهن حیات آدمی است و ریشه در فطرت انسانی دارد [۱۰] در جهان‌بینی اسلامی و شیعی، اعتقاد به یک مبدأ متعالی و یگانگی او، اولین اصل از اصول اعتقادی به شمار می‌آید [۱۱]. توحید یعنی اعتقاد به این‌که خداوند عالم، یگانه‌ای است که هیچ‌گونه ترکیب و اجزایی ندارد، یعنی نه جزء چیزی است و نه چیزی جزء او است [۱۲]. بنابراین، او سرشار است و بی‌نیاز، یعنی هیچ‌گونه نیازی ندارد، نه به خودش نه به خدای دیگر و نه به مخلوقات و آفریده‌هایش [۱۳]، زیرا نیاز نتیجه

ترکیب است و ترکیب در او راه ندارد. لازمه بی‌نیازی، نامحدودی است، زیرا محدودیت یکی از نشانه‌های نیازمندی است. بنابراین او در ذات و صفات، بی‌نیاز و در نتیجه نامحدود است [۱۴] و لازمه نامحدودی او احاطه است [۱۵]، یعنی بر تمامی هستی‌های محدود، [آنچه که گذشته و آنچه که هست و آنچه که خواهد آمد] احاطه دارد [۱۶]. احاطه او یعنی حضور و شهود او و همراهی او با تمامی هستی‌های محدود و حضور او یعنی آگاهی و علم و نظارت او بر تمامی موجودات [۱۷] و نتیجه آگاهی او حکمت او است [۱۸] و چون بر تمامی جایگاه‌ها آگاه است، هر چیزی را در جای خودش قرار می‌دهد و به همین دلیل او تقدیر و تنظیم دارد [۱۹] و تمامی موجودات قائم به خداوند و محکوم او هستند. نامحدودی او یگانگی و توحید را نیز اثبات می‌کند، زیرا نامحدود بیش از یکی نمی‌تواند باشد. در جهان‌بینی اسلامی و شیعی، علاوه بر اعتقاد به یگانگی خداوند [توحید نظری]، حاکمیت این اصل در ابعاد گوناگون زندگی بسیار مهم است [توحید عملی] توحید عملی، یعنی آنکه انسان، آغاز، ادامه و پایان هر کاری را با نام خداوند و برای او انجام دهد. [۲۰] از اینرو در تفکر شیعی مبنای هرگونه تصمیم‌گیری از جمله در اخلاق و اخلاق پزشکی، صرفاً خداوند و دستورات الهی است، زیرا همه چیز ماهیت از [اویی] و به سوی [اویی] دارد [۲۱] و با یک سلسله قوانین قطعی که «سنن الهی» نامیده می‌شود، اداره می‌شوند. [۲۲]

۲- هدفمندی جهان آفرینش

واژه هدف [Goal] در اصل لغت به معنای مقصود، غرض، غایت، نقطه و نشانه‌ای است که تیرانداز در نظر گرفته و تیر را به طرف آن پرتاب می‌کند [۲۳] و در اصطلاح عرفی، منظور از هدف در افعال انسانی، فایده‌ای است که بر فعل یا کاری مترتب می‌شود که فاعل آن را در نظر گرفته است. نشانه‌ای که فاعل، فعلش را به سوی آن پرتاب می‌کند، یعنی کمال مقصودی که یک انسان در نظر می‌گیرد و برای رسیدن به 0646 تلاش می‌کند. بنابراین نیازمندی و وابستگی

انسان از یک سو و وجود کمال در خارج از ذات انسان از سوی دیگر، زمینه هدفمندی انسان و تلاش برای دستیابی به آن را فراهم می‌کند. هدفمندی به این معنا درباره خداوند محال است، زیرا به استناد مباحث قبلی [توحید و حاکمیت مطلق خداوند] خداوند بی‌نیاز مطلق است. [یعنی نه بخودش نیاز دارد، نه به خدای دیگر و نه به مخلوقات]. بنابراین برای افعال الهی هدف به معنای ذکر شده [مقصود و کمالی که فاعل برای رسیدن به آن تلاش می‌کند] مفهومی ندارد.

از سوی دیگر با عنایت به صفت حکمت خداوند، نمی‌توان افعال او را گزاف، بیهوده و عبث تلقی کرد، زیرا افعال او در نهایت اتقان و استواری بوده و هیچ‌گونه کار زشت، عبث و بیهوده‌ای از او سر نمی‌زند. حل مسئله در این نکته است، کسانی که برای افعال الهی هدف به معنای [فایده‌ای که فاعل برای رسیدن به آن تلاش می‌کند] در نظر می‌گیرند، تصور می‌کنند که هدفمندی همواره ملازم با نیازمندی است. در حالی که، برخی از اوقات هدف فاعل استکمال خود فعل است، نه فاعل در مورد حق تعالی چنین است، یعنی هدفمندی جهان آفرینش به معنای استکمال خود جهان آفرینش است نه خداوند، زیرا خداوند خود هدف و کمال مطلق است و ماورای کمال مطلق چیزی نیست تا برای رسیدن به آن تلاش کرد. نظام آفرینش و هستی افاضه وجود و سخاوت الهی است که خود یکی از شعب کمال مطلق است. از اینرو، در جهان‌بینی اسلامی و شیعی، جهان آفرینش بیهوده و عبث آفریده نشده، بلکه دارای هدف و غرض است. [۲۴] مطالعه و بررسی موجودات جهان هستی از ساختمان یک سلول تا بزرگ‌ترین سحابی‌ها و کهکشان‌ها، نشان می‌دهد، تمام اجزای آن‌ها با روی یک برنامه‌ی خاصی تنظیم شده‌اند و در جهت خاصی در حرکت هستند آیات و روایات گزارش می‌دهند، خداوند به هر موجودی آنچه را که نیاز داشته، عطا نموده و آن را به‌گونه‌ای هدایت فرموده که از همه نیروهای خود در پایداری حیات استفاده کنند تا به هدف نهایی خود نائل شوند. [۲۵]

جان ادلف بوهرلر می‌نویسد:

«در طبیعت به هر سو که بنگری، نظام و مشیت نمایان است. گویی دنیا به سوی مقصد مشخصی سوق داده می‌شود و این معنا در عالم به طور کامل روشن است. تمام اتم‌ها از هیدروژن گرفته تا اورانیوم از روی یک مدل و نمونه به وجود آمده‌اند هر اندازه اطلاعات ما راجع به الکترون‌ها و پروتون‌هایی که عناصر مختلف را تشکیل داده‌اند، بیشتر می‌شود، بیشتر متوجه انتظام و هماهنگی عالم ماده می‌شویم [۲۶].»

دونالد رابرت کار می‌نویسد:

«نظم و ترتیب عالم که مورد نیاز دانشمندان است، نه تنها از نظر خلقت، وجود خدا را ایجاب می‌کند، بلکه برای ادامه این نظم و ترتیب و هدایت عالم وجود، یک حکمت عالیه لازم می‌آید و این همان سخنان کتب مقدس آسمانی است که جهان بدون نظم و ترتیب موجودی لغو و باطل است [۲۷].»

آیات و روایات و مطالعه اندیشمندان، از نظم و برنامه در میان تمامی آفرینش و اجزای آن و ارتباط و هماهنگی میان آن‌ها گزارش می‌دهند و این نظم و هماهنگی نشانه آن است که پدیده‌ها و عناصر جهان خلقت، دارای اراده حکیمانه و قدرتی نامحدود هستند که لازمه آن هدفداری جهان آفرینش است. بنابر متون دینی، خلقت جهان هستی زمینه و بستری مناسب برای آفرینش انسان و رسیدن او به کمال مطلق است. [۲۸] آفرینش جهان هستی زمینه‌ای است که آدمی مظهر تمامی صفات و اسماء خداوند شده و در نتیجه شأن او به شأن خداوند متصل و از آنچه نزد خداوند است، بهره‌مند شود.

۳- هدفمندی انسان در بُعد اندیشه و عمل

هدفدار بودن جهان هستی به معنای آن است که همه موجودات هستی برای تحقق هدفی آفریده شده‌اند، زیرا جهان هستی مجموعه‌ای متشکل از موجودات هدفمند است. بنا به گزارش آیات و روایات، آفرینش انسان نیز هدفمند است [۲۹] و این هدف در بُعد اندیشه و عمل تجلی می‌یابد، زیرا انسان موجودی است که هم می‌اندیشد و هم اعمالی از او صادر می‌شود. قرآن کریم

هدف از خلقت انسان در بعد اندیشه را دانش‌افزایی بشر و شناخت جهان با دیدگاه الهی می‌داند [۳۰] به این معنا که انسان در بُعد اندیشه با صفات الهی آشنا شده و بداند که خداوند از علم و قدرت مطلق برخوردار است و نتیجه این آگاهی [برای انسانی که بنا به صراحت آیات قرآن فقر محض و عین نیاز [۳۱] است] استعانت و یاری جستن از او برای ادامه راه و رسیدن به هدف از خلقت در بُعد عمل [مقام خلیفه‌اللهی] است.

در بُعد عمل، خداوند هدف از خلقت انسان را عبودیت و بندگی حق می‌داند [۳۲] تا از این طریق به شئون الهی، یعنی مقام خلیفه‌اللهی [۳۳] رسیده و از آنچه در نزد حق است، بهره‌مند شود. از این‌رو انسان موظف است در مقام اندیشه، خدائی اندیشیده و در مقام عمل برای او کار کند به همین دلیل، بخش مهمی از معارف اسلامی و شیعی در دانش اخلاق اسلامی [که ناظر به روح و باطن اعمال و رفتار انسانی است]، بیان شده است.

استعدادهای انسانی، وضعیت و ترکیب آنها، مشخص می‌کند، کار انسان حرکت و جهت حرکت او به سوی موجود برتر [خداوند] است [۳۴].

۴- انسان موجودی طبیعی و فراطبیعی

در دیدگاه اسلامی و شیعی، انسان موجودی طبیعی و فراطبیعی است. طبیعت او از خاک آغاز می‌شود [۳۵] و مراحل تکاملی خود را براساس سنت الهی می‌پیماید [۳۶]. شناخت جنبه طبیعی و مادی انسان خالی از صعوبت نیست، اما شناخت فراطبیعت او به مراتب مشکل‌تر است، زیرا امری است مجرد و منزله از ویژگی‌های مادی و طبیعی [۳۷] بنابراین خلقت انسان یک خلقت ترکیبی است از یک امر مادی [جسم] و یک امر غیر مادی [روح] که با هم رابطه دارند و در این رابطه هویت واقعی انسان همان روح اوست [۳۸] و جسم ابزاری است برای تکامل بُعد معنوی انسان.

صدرالمآلهین شیرازی می‌گوید:

«همانگونه که نجار نیاز به ابزار دارد تا از یکسو از آن استفاده کند و از سوی دیگر آن را تحت کنترل خویش

در آورد، روح و بدن نیز همین گونه‌اند [۳۹]. افلاطون معتقد است، هر یک از ما دارای روحی بسیط، الهی و تغییرناپذیر و بدنی مرکب و تباه‌پذیر است به این معنا که بدن صرفاً وسیله‌ای برای وجود ما در جهان مادی است [۴۰]. البته مقصود از مادی بودن صرفاً ماده فیزیکی نیست، بلکه مفهوم گسترده‌تری دارد که علاوه بر آن شامل انرژی نیز می‌شود. نفس و بدن تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند [۴۱]، یعنی حالات روانی و حتی تخیل‌ها در بدن مؤثرند. مانند فکر کردن به امور ترسناک که لرزیدن بدن را به دنبال دارد و غرق شدن در برخی از تخیل‌ها حالت انبساط و آرامش بدنی را ایجاد می‌کند. امروزه پژوهش‌هایی که در حوزه روان تنی [Psychosomatic] صورت گرفته، مؤید این اثرگذاری و اثرپذیری است. تحقیقات پزشکی ثابت کرده که نمی‌توان نقش روحیه و حتی خواست بیمار را در بهبودی او انکار کرد. روحیه و خواست بیمار می‌تواند فرآیند درمان و بهبودی را آسان یا به تأخیر بیندازد. ویلیام جیمز در این باره می‌گوید: «چنانکه حقایق و واقعیت‌های پزشکی را قبول داشته باشیم، پزشکانی چند اظهار داشته‌اند که در بسیاری از موارد، دعا، در بهبودی حال بیمار مؤثر بوده است». بنابراین باید دعا را در معالجه بیماران یکی از وسائل مؤثر دانست. در مورد بسیاری از مردم، دعا برای معالجات امراض روحی بسیار مؤثر بوده، در نتیجه، صحت بدنی و جسمی آنها را در پی خواهد داشت [۴۲] به طور متقابل وضعیت بدنی و جسمانی می‌تواند در حالات روحی اثرگذار باشد. برای نمونه، ترشح برخی از هورمون‌ها و عدم ترشح آنها موجب پدید آمدن حالات خاص روانی مانند افسردگی، اضطراب و... یا از بین رفتن برخی از حالات روانی می‌شود. از این‌رو، در برخی موارد روانپزشکان داروهای گوناگون ضد اضطراب یا آرامش‌بخش را برای بیماران تجویز می‌کنند.

۵- اختیار و اراده انسان:

یکی از پرسش‌هایی که از گذشته تاکنون در حوزه انسان‌شناسی [Anthropological] [۴۳] همواره مطرح بوده و

معرکه آراء دانشمندان علوم گوناگونی مانند علم کلام، فلسفه، عرفان و... است، پرسش از اختیار و اراده انسانی است.

به این معنا که آیا انسان حقیقتاً دارای اراده آزاد است و خود تصمیم می‌گیرد چه کند و در نتیجه باید پاسخگوی کارهای خود باشد یا این که اراده آزاد تنها یک توهم است و تصمیم و اراده او برآیند فشارهای درونی و بیرونی است و از این رو نباید او را به دلیل کارهایش مورد سرزنش یا تشویق قرار داد! اهمیت این بحث از دیدگاه کانت به اندازه‌ای است که آن را مهم‌ترین مسئله فلسفه اخلاق می‌داند [۴۴]. بحث جبر و اختیار و میزان آزادی انسان، ابعاد گوناگونی دارد. به همین دلیل با دانش‌های متعدد در ارتباط بوده و همین مسئله موجب پیچیدگی و دشواری بحث می‌شود.

اما آنچه به‌طور اختصار در اندیشه دینی و جهان‌بینی اسلامی در این باره می‌توان گفت این است که براساس آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، اراده و فاعلیت انسان که معلول و مخلوق خداوند است، در طول اراده و فاعلیت حق تعالی است، یعنی در این نظریه به هیچ‌وجه نمی‌توان آدمی را فاقد اراده دانست و نقش او را در انجام کارها نادیده گرفت. از سوی دیگر، باید توجه داشت که اراده آدمی نیز در شرایط ویژه‌ای شکل گرفته و اثربخش می‌شود.

اراده آدمی آزاد است اما میدان عمل او در محدوده سنت‌ها و قوانین قطعی در نظام جهان آفرینش است. به عبارت دیگر، نه این میدان محدود، اراده انسان را از کار می‌اندازد و نه اراده آدمی بیرون از این میدان مجال جولان دارد. براساس این نظریه، خداوند قدرت انجام افعال را به انسان‌ها عطا کرده است اما مالک آن قدرت، خود اوست و اراده انسان‌ها در طول اراده حق تعالی است.

این کلی‌ترین بیان درباره پرسش مطرح شده است و به نظریه [امر بین‌الامرین] معروف است که در روایات متعدد از امام [علیه‌السلام] سؤال می‌کنند، نظریه جبر

درست است یا نظریه تفویض؟ امام علیه‌السلام در پاسخ می‌فرماید:

[لا جبر و لا تفویض و لکن امر بین الامرین] [۴۵].

ترجمه: نه نظریه جبر درست است و نه نظریه تفویض [آزادی مطلق]، بلکه حقیقت، «امر بین‌الامرین» است. براساس این تفکر، آدمی در قبال اعمال خود مسئولیت دارد، یعنی میان دو مفهوم آزادی و مسئولیت، نوعی ملازمه وجود دارد.

به این صورت که یکی از شرایط مسئولیت و مسئولیت اخلاقی، برخورداری از آزادی است [۴۶]. زیرا تلاش آدمی در مسیر خودسازی تنها در صورتی معقول است که او را موجودی مختار بدانیم. بنابراین در نظام اخلاقی اسلام، چه در مقام توصیه و چه در مقام الزام، مختار بودن انسان یک اصل بنیادین است.

۶- ارتباط زندگی دنیوی با زندگی اخروی

آیات قرآن و روایات اولیای دین اسلام به صراحت از ارتباط دنیا و آخرت گزارش می‌دهند. [تجسم عمل].

منابع دینی علاوه بر آن، نوع رابطه اعمال و رفتار دنیوی را با آنچه به اصطلاح ثواب یا عقاب اخروی نامیده می‌شود، ترسیم کرده و رابطه را یک رابطه عینی می‌دانند، یعنی دنیا و آخرت عین هم هستند [۴۷]. به این معنا که دنیا چهره ظاهری و آخرت چهره باطنی یک حقیقت هستند [۴۸]. بنابراین چگونه زیستن انسان در دنیا نقش مهمی در چگونه زیستن او در آخرت دارد. به همین دلیل ما در شناسایی دقیق گزاره‌های اخلاقی، به ویژه در حوزه اخلاق پزشکی، نیازمند وحی هستیم. تعالیم دینی، حقیقت اخلاق خوب و بد را به بهشت و جهنم ارجاع داده است، باطن اخلاق بد را جهنم و حقیقت اخلاق خوب را بهشت می‌داند. از این اصل در آموزه‌های دینی به عنوان تجسم عمل یاد می‌شود، یعنی کارهای خوب در آخرت با شکل و صورتی بسیار زیبا و دل‌انگیز تجسم می‌یابند و اعمال بد و ناشایست صورت‌های زشت و دهشت‌آفرین دارند. به عبارت دیگر، صورت تجسم‌یافته کردارهای انسان در قیامت به منزله جزئی از واقعیت خود اوست. بنابراین از او

جداشدنی نیست، پس زندگی دنیوی به زندگی اخروی شکل می‌دهد. در این بینش، سعادت و شقاوت جاودانه هر کس در گرو اعمال خود اوست [۴۹] تعبیر «کسب» در برخی از آیات، گویای آن است که نتیجه نهایی زندگی در گرو چیزهایی است که انسان خود به دست آورده است [۵۰]. از این‌رو برای انسان چیزی جز حاصل تلاش او نیست.

حاکمیت این بینش سبب می‌شود، انسان به خود اجازه ندهد هر فکر و اندیشه‌ای و هر عملی را هرگونه که می‌خواهد، انجام دهد، بلکه او آزادانه خود را در اختیار خداوند قرار داده، تسلیم و بنده او می‌شود.

از این‌رو، اندیشه او اندیشه الهی، افعال و رفتار او نیز الهی می‌شود، یعنی محرک او در انجام تمامی افعال خداوند است و با اشاره‌های او تصمیم می‌گیرد و براساس دستورات او حرکت می‌کند.

به طور کلی می‌توان موارد ذیل را به‌عنوان خلاصه مجموعه مباحث ارائه شده، طرح کرد:

۱- آدمی بطور فطری ارزش‌های اخلاقی را درک کرده و به آن‌ها گرایش دارد.

۲- علم اخلاق علم طبابت نفوس و عقول است.

۳- دانش اخلاق به دنبال آموزش شیوه و درست رفتار انسانی است که تقسیمات مختلفی دارد.

۴- در یک تقسیم‌بندی دانش اخلاق به «اخلاق توصیفی»، «اخلاق تحلیلی یا فرااخلاق» و «اخلاق هنجاری» تقسیم می‌شود.

۵- دانش اخلاق پزشکی به عنوان یکی از علوم پایه پزشکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی و حرفه‌ای است که خود زیرمجموعه اخلاق هنجاری است.

۶- درباره اخلاق پزشکی تعاریف گوناگونی ارائه شده است.

۷- اخلاق پزشکی مانند هر علم دیگری بر مبانی خاصی استوار است.

۸- مقصود از مبانی اخلاق پزشکی در این تحقیق، گزاره‌های ثابت و نامتغیری هستند که بخش‌های بنیادین نظام اخلاقی اسلام را تشکیل می‌دهند.

۹- در این تحقیق، مبانی اخلاق پزشکی از مهم‌ترین منابع اسلامی و شیعی، یعنی قرآن و نهج البلاغه استخراج شده است.

۱۰- نتیجه تحلیل گزاره‌های دینی استخراج شده مبانی زیر هستند:

۱-۱۰- توحید و حاکمیت مطلق خداوند

۲-۱۰- هدفمندی جهان آفرینش

۳-۱۰- هدفمندی انسان در بُعد اندیشه و عمل

۴-۱۰- انسان موجودی طبیعی و فراطبیعی

۵-۱۰- اراده و اختیار انسانی

۶-۱۰- ارتباط زندگی دنیوی با زندگی اخروی

پیشنهاد

توصیه می‌شود با عنایت به جامعیت دین اسلام و مکتب تشیع، زمینه‌های مناسب جهت آشنایی و پژوهش در حوزه اخلاق پزشکی با محوریت قرآن کریم و سایر منابع دینی فراهم و از تحقیقات مرتبط با موضوع اخلاق پزشکی از دیدگاه شیعی حمایت لازم به عمل آید.

تقدیر و تشکر

به این وسیله از حمایت‌های معنوی سرکارخانم دکتر معین [مدیر محترم گروه اخلاق پزشکی دانشگاه شاهد] در انجام این پژوهش قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم.

منابع

- ۱- قلم آیه ۴، بقره آیه ۱۲۹
- دشتی، محمد؛ در ترجمه نهج البلاغه؛ مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین [علیه السلام]، دفتر نشر، چاپ ششم، پاییز ۱۳۷۹ خطبه ۱ / بند، ۴۴-۳۴، خطبه ۱۱۸/۱۹۲، خطبه ۲۳/۱۶۰
- ۲- نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام؛ ج ۳، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش، ج ۲۱ ص ۲۸۳
- البته در زبان لاتین دو واژه «Morality» و «Ethics» در مورد اخلاق به کار می‌روند «Morals» به معنای [خلق و خوی راسخ در نفس] و «Ethics» درباره نظریه‌های پیرامون رفتار خوب و بد، درست و خطا، پاک و پلید انسان به کار می‌رود.

۱۶- حدید آیه ۳، نهج البلاغه خطبه ۱/۹۶، خطبه ۶۵/۱۹۵

۱۷- حدید آیه ۴ و نهج البلاغه خطبه ۱/۹۶ و خطبه ۵/۱۹۵

۱۸- نور آیه ۱۸، نمل آیه ۹ و... نهج البلاغه خطبه ۱۸/۲۱۱ و ۱۷/۹۱ خطبه ۱۸ و

۱۹- رعد آیه ۱۷، مرسلات آیه ۲۳، رعد آیه ۲۶، اعلی آیه ۳

۲۰- اسراء آیه ۸۰

۲۱- بقره آیه ۱۵۶

۲۲- احزاب آیه ۶۲، فاطر آیه ۴۳ و نهج البلاغه خطبه ۱/۸۸ و ۲

سنت در لغت به معنای سیره، شیوه و روش است و در اصطلاح قوانین ثابت و هدفمند خداوند است که به گونه‌های مختلف در نظام تکوین و حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها جاری است.

۲۳- معین، محمد، فرهنگ لغت فارسی، بهزاد، تهران ۱۳۸۲، ج ۴ ذیل کلمه «هدف» و نیز ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۵ میلادی ج ۱۵

۲۴- ن آیه ۲۷ و نهج البلاغه خطبه ۲/۶۳ و حکمت ۱/۳۷۰، حکمت ۳/۷۸ و حکمت ۴۶۳

۲۵- طه آیه ۵۰

۲۶- آرام، احمد، مجتهدی، امین، اثبات وجود خدا؛ آثار چهل دانشمند غربی ص ۱۸۸

۲۷- همان

۲۸- هود آیه ۷، بقره آیه ۲۲، غافر آیه ۶۴، ابراهیم آیه ۳۳ و ۳۴، نحل آیه ۶، لقمان آیه ۲۰، جائیه آیه ۱۳، نهج البلاغه خطبه ۱۴۳/۱ و ۱۳/۴۵ و ۱۶

۲۹- مؤمنون آیه ۱۱۵- نهج البلاغه خطبه ۳/۶۴ خطبه ۴/۸۶، خطبه ۱ ۴/۹۵ - حکمت ۳۷

۳۰- طلاق آیه ۱۲

۳۱- فاطر آیه ۱۵، محمد [ص] آیه ۳۸

۳۲- ذاریات آیه ۵۶

۳۳- بقره آیه ۳۰، ص آیه ۲۶، انعام آیه ۱۶۵

۳- برای توضیحات بیشتر، رک صادقی، هادی؛ در ترجمه فلسفه اخلاق؛ ویلیام کی، فرانکنا، [مؤلف]، مؤسسه فرهنگی طه سال ۱۳۷۶ ص ۲۵-۲۶؛ جوادی، محسن، مسئله باید و هست، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم سال ۱۳۷۵ ص ۱۵-۱۸ و مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱ ص ۱۷-۲۳

4- See: [Applied Ethics] in encyclopedia of Ethics ed Lawrence C. Becker p.80-84, V.1

۵- محرری، محمدرضا؛ تاریخچه، کلیات اخلاق پزشکی، مجموعه مقالات صاحب نظران در باره اخلاق پزشکی تهران: چاپ سپهر، ۱۳۷۰

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معاونت امور فرهنگی اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی تهران، چاپ سپهر، ۱۳۷۰

۶- دکتر لاریجانی، باقر، پزشک و ملاحظات اخلاقی؛ جلد اول، مروی بر مبانی اخلاق پزشکی تهران، برای فردا، ۱۳۸۳ ص ۱۶-۱۸

۷- دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه تهران؛ چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش ج ۱۲ ص ۱۷۷۴۱.

۸- طبیبیان، سیدحمید؛ در ترجمه فرهنگ لاروس جر، خلیل، [مؤلف] امیر کبیر، تهران ۱۳۶۳ هـ ش ج ۲/ص ۱۸۱۳

۹- رضائی، مؤدب، نصیری، میزگرد مبانی نقد حدیث؛ فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، ش ۱۱ و ۱۲، مؤسسه شیعه‌شناسی، قم، ۱۳۸۴ هـ ق

۱۰- روم آیه ۳۰، نهج البلاغه، خطبه ۳۰/۱۸۶ و نامه ۴۵۱/۳۱

۱۱- اخلاص آیه ۱، یوسف آیه ۱۱۰، انبیاء آیه ۸، فصلت آیه ۶۱، اعراف آیات ۵۹ و ۶۵ و ۷۳ و ۸۵ محمد آیه ۱۹.

۱۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷/۱۸۶-۱۱

۱۳- همان خطبه ۱/۱۹۳

۱۴- همان خطبه ۲/۱۸۶ و ۳

۱۵- حدید آیه ۳

۴۷- شوری آیه ۲۰، ق آیه ۲۲، ال عمران آیه ۳۰ نساء آیه ۱۰، ال عمران آیه ۱۸۰، زلزال آیه ۷ و ۸ بقره آیه ۲۴، نمل آیه ۹۰ و نهج البلاغه خطبه ۴۲
 ۴۸- در نحوه رابطه دنیا و آخرت رویکردهای مختلفی وجود دارد. برخی قائل به عدم ارتباط میان دنیا و آخرت هستند و برخی دیگر قائل به رابطه قراردادی و اعتباری میان آن دو هستند و گروه دیگری رابطه دنیا و آخرت را یک رابطه تکوینی، قانونی و عینی می‌دانند. ر.ک خسروپناه، عبدالحسین، گستره شریعت، دفتر نشر معارف تابستان ۱۳۸۲ ص ۱۴۷
 ۴۹- زلزال آیه ۷ و ۸
 ۵۰- مدثر آیه ۳۸، جاثیه آیه ۲۲، ال عمران آیه ۲۵.

۳۴- بقره آیه ۱۵۶، صافات آیه ۹۹
 ۳۵- سجده آیه ۷، صافات آیه ۱۱، اعراف آیه ۱۲، حج آیه ۵
 ۳۶- سجده آیه ۷ و ۸ مؤمنون آیه ۱۲ و ۱۴ و مؤمن آیه ۶۷
 ۳۷- مؤمنون آیه ۱۴، سجده آیه ۸، حجر آیه ۲۹، تحریم آیه ۱۲، اسراء آیه ۸۵
 ۳۸- سجده آیه ۱۱، نحل آیه ۷۰، حجر آیه ۲۹ و ص آیه ۷۲، مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ داراحیاء التراث، بیروت ۱۴۰۳ هـ
 ۳۹- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ الحکمه المتعالیه؛ داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۱۰ ق ج ۸ باب ۴ فصل ۱
 ۴۰- دیوانی، امیر؛ در ترجمه فلسفه نفس؛ ویلیام ای هارت و دیگران [مؤلف] سروش تهران، ۱۳۸۱ ص، ۱۱۳.
 ۴۱- نهج البلاغه، خطبه ۴ و حکمت ۲۶ و ۲۲۵ و ۲۵۶
 ۴۲- قائنی، محمد؛ در ترجمه دین و روان، ویلیام جیمز [مؤلف] چاپ دوم ۱۳۵۶، صص ۱۵۴-۱۵۸
 ۴۳- به مجموعه مباحثی که هدف آن‌ها دستیابی به تحلیلی درباره انسان و نظریه‌سازی درباره جنبه‌های گوناگون چنین واقعیتی است، «انسان شناسی» گفته می‌شود.
 ۴۴- علوی‌نیا، سهراب؛ در ترجمه در آمدی بر فلسفه اخلاق؛ آر. اف اتکینسون، [مؤلف] مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۹۹۰ ص، ۱۸۲.
 ۴۵- کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، کتاب التوحید، باب الجبر و القدر و الامر بین الامرین، انصاریان، قم ۱۳۸۲
 ۴۶- ر.ک لارنس سی. بکر و مری بکر، [ویراستار]؛ تاریخ فلسفه اخلاق غرب، ترجمه گروهی از مترجمان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم ۱۳۷۸ ص ۱۰۰-۱۰۶ و مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی [ره] چاپ دوازدهم، قم ۱۳۸۲ ص ۱۲۶-۱۲۸